

ذره بین

گزارش «آرمان ملی» از پشت پرده لشکرکشی آمریکا به منطقه

به اسم ایران، با هدف چین؟

سید جلال ساداتیان: اگر زمان نگذشته باشد پیشنهادهای نفتی ترک‌ها اثرگذار است

آرمان ملی: دونالد ترامپ برای شرکت در مانوری که هر ساله در منطقه برگزار می‌شود آنگونه که خود ادعا کرده کشتی‌ها و ناوهای جنگی ایالات متحده را به منطقه اعزام کرده‌است و البته به گونه‌ای در مورد ایران سخن می‌گوید که گویا این لشکرکشی برای درگیری با تهران است؛ براساس اخباری که در رسانه‌ها منتشر شده او چند پیش شرط تعیین کرده، خروج اورانیوم ۶۰ درصدی، پایان غنی‌سازی اورانیوم، مذاکرات موسیقی و عدم حمایت از گروه‌های مقاومت در منطقه.
فارغ از این مساله اما باید با نگاهی دیگر نیز به تحرکات آمریکا در منطقه غرب آسیا و خصوصا در گلوگاه نفتی خلیج فارس و دریای عمان نگرست.

محاصره یکن؟

فارغ از اینکه ترامپ از لشکرکشی در منطقه غرب آسیا دنبال چه چیز و چه سطح از لطمه به ایران و حتی محاصره اقتصادی تهران است، باید این اقدامات را از منظر دیگری هم مورد بررسی قرار داد و آن اینکه ترامپ با هرگونه تنش در منطقه غرب آسیا و گلوگاه نفتی خلیج فارس و تنگه هرمز به دنبال آن است که در نهایت به ترزد نفتکش‌ها در منطقه به منظور کنترل میزان نفت خریداری شده توسط چین تسط پیدا کند تا هم حلقه محاصره چین را از مهم‌ترین گلوگاه آن یعنی گلوگاه اقتصادی بفشارد و هم عملا اجازه ندهد چین بدون هماهنگی با آمریکا در منطقه غرب آسیا جولان اقتصادی بدهد.

فشار دوتگانه

یک کارشناس روابط بین‌المللی در ارتباط با تحرکات نظامی آمریکا در منطقه غرب آسیا به «آرمان ملی» گفت: هر پدیده سیاسی صرف‌اتک عاملی نیست. تعدادی از عوامل در بروز و ظهور آن تاثیرگذار است. برخی از این عوامل شدیدتر و با وزن بیشتر برخی هم کمتر و با وزن کمتر، اکنون در منطقه مایز ترامپ به نام فشار بر ایران درحال لشکرکشی است اما از این اقدام نیت‌های دیگری هم در سر دارد و همه جهان را تهدید می‌کند. تهدیدات ترامپ ابزاری است که برای آمریکا هزینه نداشته باشد. ترامپ به دنبال رعب و وحشت است تا به نفع ایران برسد، او در نهایت با حضور در منطقه ماقصد دارد بگلوگاه نفتی منطقه تاثیر بگذارد و بیشترین نفت از منطقه ما را هم چین می‌خرد لذا ترامپ به دنبال تسلط بر انرژی منطقه برای تسلط بر رشد اقتصاد چین است. لشکرکشی آمریکا به منطقه هزینه دارد اما این هزینه برای آمریکا بسیار کمتر از جنگ است.

فشار برگویی چین

سید جلال ساداتیان در ارتباط با اثرگذاری این فشار و لشکرکشی بر منطقه غرب آسیا توضیح داد: ترامپ به دنبال آن است که گلوگاه انرژی جهان را در دست داشته باشد و گوی چین را که بیشترین نفت خود را از این منطقه می‌خرد بفشارد، او با دست گذاشتن بر نفت و تئوزنلا و احتمالا به پروسه‌ای که در مورد نفت ایران و منطقه در نظر دارد، بیشترین فشار را بر رشد اقتصادی چین خواهد آورد.

نگاه ترامپ به ایران

سفیر سابق ایران در لندن افزود: آمریکا در این مسیر یعنی کنترل خرید نفت چین، ایران را مانعی در برابر خود می‌بیند. به‌طوری‌که ایران حتی با تحریم‌های شدید هم توانسته راهی برای انتقال نفت خود به چین پیدا کند و با این کار تحریم‌های آمریکا را بی‌اثر یا بسیار کم‌اثر کند.
اینکه ترامپ تحت عنوان حقوق بشر به ایران فشار می‌آورد هم تنها یک بهانه است چراکه او حامی نتانیاهوست که در دادگاه‌های بین‌المللی محکوم شده‌است. فردی که ۷۰ هزار نفر را در غزه کشته‌اما مورد حمایت ترامپ قرار دارد. لذا با فشار بر ایران به دنبال آن است که در نهایت نفت ایران که حدود یک تا یک و نیم میلیون بشکه در روز است به چین برسد و یا اینکه تحت کنترل آمریکا این نفت در اختیار یکن قرارگیرد.

پیشنهادهای نفتی ترکیه

ساداتیان در ارتباط با سفر وزیر امور خارجه ایران به ترکیه و بحث میانجیگری ترکیه بین ایران و آمریکا و پیشنهادهای که رسانه‌ها در این ارتباط داده‌اند که آمریکا دست از خصم علیه ایران بردارد و خود به سرمایه‌گذاری در بخش نفت ایران تبدیل شود، گفت: در زمانی که برجام اتفاق افتاد و تحریم‌های ایران برداشته شد، آمریکایی‌ها و شرکت‌های نفتی آنها تمایل نشان دادند که در بخش نفت و گاز و پتروشیمی ایران حاضر شوند اما این اجازه داده نشد و اتفاقا ترامپ نیز چون از بازار اقتصادی ایران سهمی را بعد از رفع تحریم‌ها برای آمریکا مشاهده نکرد از برجام خارج شد. اکنون اما مشخص نیست که ترامپ به دنبال چه خواسته‌ای در ارتباط با ایران است و هرگونه پیشنهاد اقتصادی از سوی ترکیه در ارتباط با ایران و آمریکا می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد اما آنچه ایران می‌خواست کرد است فراتر از این مورد است اما اگر چنین مواردی مورد بررسی قرار گیرد و بحران بین ایران و آمریکا کاهش یابد، مطلوب است اما به نظر می‌رسد ترامپ به نظر پیچیدتر به مساله ایران نگا می‌کند. در شرایط کنونی وضعیت نفت و گاز ایران خوب نیست. قطر در حال مکیدن سهم گاز ایران است چرا که ایران به علت تحریم نمی‌تواند بیش از این از میدان گازای پارس جنوبی گاز برداشت کند و دیگر میادین مشترک نفتی ایران نیز همین وضع را دارند. اگر آمریکایی‌ها در بخش نفت ایران سرمایه‌گذاری کنند، اشکالی نیست چرا که زمانی فرانسه و ایتالیا در ایران در این بخش سرمایه‌گذاری می‌کردند. اگر زمان نگذشته باشد، پیشنهاد نفتی ترک‌ها اثرگذار است.

شنبه	● ۱۱ ● ۱۲ ● ۱۳۰۴ ۱۱ شعبان ۱۴۴۷/ ۳۱ ژانویه ۲۰۲۵
-------------	---

سال هشتم

شماره ۲۳۱۴

armanmelir

«آرمان ملی» سفر وزیر امور خارجه به ترکیه را بررسی می‌کند

دیپلماسی در استانبول

◀ **سید عباس عراقچی: ایران برای مذاکرات عادلانه مشکلی ندارد**



گفت‌وگوهای سران

تهران همواره گفت‌وگوهای مثبت و سازنده خود را با کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای حفظ کرده و پس از تهدیدات اخیر ترامپ مبنی بر جنگ و اعزام ناو ابراهام لینکن که حداقل در ظاهر نشان از جنگ احتمالی دارد کانال‌های دیپلماتیک برای جلوگیری از بروز جنگ فعال شده‌اند. چه اینکه طی چند روز گذشته شاهد ترافیک دیپلماسی بین مقامات کشورهای و سایر کشورها بودیم. در همین راستا سه‌شنبه گذشته رئیس‌جمهور طی گفت‌وگویی تلفنی با محمد بن سلمان ولیعهد عربستان به بررسی مسائل منطقه به ویژه تحرکات آمریکا پرداخت و در این گفت‌وگو ولیعهد سعودی حمایت خود از ایران را اعلام کرد. این گفت‌وگوها ادامه پیدا کرد و پزشکیان عصر پنجشنبه در گفت‌وگوهای تلفنی جداگانه با شیخ محمد بن حمد آل ثانی، امیر قطر و شهباز شریف، نخست‌وزیر پاکستان، در خصوص آخرین تحولات منطقه در پی اقدامات تنش‌افزین و بی‌ثبات‌ساز آمریکا به تبادل نظر پرداخت و بر این نکته تأکید کرد: «اگر طرف آمریکایی واقعا به دنبال مذاکره و دیپلماسی واقعی است، باید از این‌گونه اقدامات تحریک‌آمیز و تنش‌زا دست برداشته و در عمل پایبندی خود به مسیر گفت‌وگو را اثبات کند». همچنین رئیس‌جمهور روزگشته در گفت‌وگوی تلفنی باشیخ محمد بن زاید آل نهیان رئیس‌امارات متحده عربی با تأکید بر سیاست «دیپلماسی عزت‌مندانه» جمهوری اسلامی ایران، اظهار کرد: «رویکرد جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر تعامل و گفت‌وگو در چارچوب قوانین بین‌المللی، احترام متقابل و پرهیز از تهدید و ریز برای حل مسائل است. اما در عین حال هرگونه تجاوز به کشور و ملت ایران، بی‌درنگ و با قاطعیت پاسخ داده خواهد شد». اما شاید مهم‌ترین بخش گفت‌وگوی تلفنی رئیس‌جمهور روزگشته رقم خورد، جایی که مسعود پزشکیان با رجب طیب اردوغان همتای ترکیه‌ای خود به گفت‌وگو پرداخت. در این گفت‌وگو طرفین ضمن تبادل نظر درباره مسائل جاری منطقه، بر ضرورت اتخاذ راهکارهای دیپلماتیک، تعامل محور و مبتنی بر گفت‌وگو برای حل و فصل

است، اگر این مذاکرات از موضع برابر، بر اساس منافع متقابل و با احترام متقابل همراه باشد. اگر مذاکرات به صورت منصفانه و عادلانه باشد، ایران آماده مشارکت در این گفت‌وگوهاست». عراقچی درباره احتمال گفت‌وگو میان مقامات ایران و آمریکا گفت: هنوز برنامه‌ای برای دیدار ماو آمریکایی‌ها تنظیم نشده‌است. ما برای مذاکرات منصفانه و عادلانه آماده هستیم اما مقدمانی باید در این خصوص انجام بگیرد؛ در مورد شکل، محل و موضوع گفت‌وگوها. امروز صحبت‌های خوبی درین خصوص با آقای قیدان داشتیم و ما به این مشورت‌ها با دوستان خود در منطقه ادامه می‌دهیم و امیدوارم بتوانیم به‌زودی به یک چارچوب مشخصی که بتواند یک مذاکرات شرافتمندانه را تضمین کند، برسیم. عراقچی درباره شروط آمریکایی‌ها بیان کرد: «خیلی روشن است که مذاکره با دیکته‌کردن تفاوت دارد. نتایج مذاکره در میز مذاکره روشن می‌شود نه قبل از آن. باید قاطعانه بگوییم توانمندی دفاعی ایران و موشک‌های ایران هرگز موضوع هیچ مذاکره‌ای نخواهد بود». سفر معنادار عراقچی به استانبول آن هم در شرایط حساس کنونی نشان از نقش برجسته‌تری در روابط با ایران و غرب است که می‌تواند فعلا نه به نقش‌آفرینی بپردازد. البته اگرچه انتظار نمی‌رود این سفر کوتاه به توافقات فوری منجر شود، اما می‌توان از جمله آثار آن به بازنگاه داشتن مسیرهای گفت‌وگو در شرایطی که گزینه‌های ایران محدودتر از گذشته اشاره کرد و مجموعه‌اسفر عراقچی به ترکیه را می‌توان بخشی از دیپلماسی فعال ایران در میانه التهابات و تنش‌های منطقه‌ای قلمداد کرد.

دیدار عراقچی- اردوغان

وزیر خارجه که به منظور رایزنی با مقام‌های ارشد سیاسی ترکیه وارد استانبول شده بود، روز گذشته با «رجب طیب اردوغان» رئیس‌جمهور مصلح‌وآذربایجان رئیس‌دستگاه دیپلماسی روزگشته برای دیدار با مقامات ترکیه در سفری یک روزه وارد استانبول شد. عراقچی در بدو ورود به استانبول با بیان اینکه «در حال حاضر مسائل منطقه بسیار جدی است و چالش‌های مهمی وجود دارد»، گفت: اهدافی که از سوی آمریکا و دیگران مطرح می‌شود، ایجاب می‌کند که مشورت‌های نزدیک‌تری انجام شود. مسائل منطقه مرور و مواضع هماهنگ شود و همچنین درباره راه‌های برخورد با این چالش‌ها و شیوه‌های برون‌رفت از آنها تبادل نظر صورت گیرد. وزیر خارجه ایران درباره تهدیدات آمریکاییان کرد: «ایران همان‌طور که برای مذاکره آماده‌گی دارد، برای جنگ هم آماده‌است. همان‌طور که قبلا گفتیم، ما امیدوارم عملیات حاکم شود و کسانی که به دنبال کشیدن منطقه به یک جنگ تمام‌عیار هستند، در اهداف خود ناموفق بمانند». وزیر هسته‌ای ایران را دیپلماسی دانست و آمادگی ترکیه را برای هرگونه مساعی جمیله در این زمینه اعلام کرد.

«آرمان ملی» در گفت‌وگویی مطرح می‌کند

هموارکردن مسیر مطالبه‌گری

مهدی آیتی: پذیرش «حق اعتراض» شکاف با جامعه را کاهش می‌دهد

اجرای صحیح اصل ۲۷

مهدی آیتی، تحلیل‌گر سیاسی در مورد روابط دولت و مجلس و همچنین اهمیت به رسمیت شناختن حق اعتراض به خبرنگار «آرمان ملی» می‌گوید: «ابتدا باید به این مورد، اعتراض کنم که اصل بیست و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یکی از اصول مهم در تضمین حقوق اساسی شهروندان و تقویت مشارکت اجتماعی به شمار می‌رود. این اصل به شفافیت می‌گوید که تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح و به شرط آن که مجامعانی اسلام نباشد، آزاد اعلام شده‌است. این اصل نشان دهنده توجه قانون اساسی بحق اعتراض، تقویت مشارکت و مشارکت آگاهانه مردم در امور اجتماعی و سیاسی کشور است». او در همین مورد و با تأکید بر شنیدن نارضایتی شهروندان ادامه می‌دهد: «به رسمیت شناختن حق اعتراضی، آثار مثبت متعددی برای جامعه و نظام حکمرانی دارد. نخست آن‌که این حق، بستری امن و شفاف برای بیان نارضایتی‌ها و مطالبات شهروندان فراهم می‌کند و از آناشته شدن فشارهای اجتماعی جلوگیری می‌نماید. هنگامی که مردم بتوانند در چارچوب قانون و با اطمینان از حمایت حقوقی، دیدگاه‌ها و اعتراضات خود را مطرح کنند، اعتماد عمومی به حاکمیت افزایش یافته و ارتباط میان مردم و مسئولان تقویت می‌شود. از منظر حکمرانی، اجرای صحیح اصل ۲۷ به بهبود تصمیم‌گیری‌ها کمک می‌کند؛ چرا که مسئولان می‌توانند از طریق شنیدن صدای واقعی جامعه، سیاست‌ها و برنامه‌ها را اصلاح و کارآمدتر کنند. همچنین، اعتراضات قانونی و سازمان‌یافته مانع بروز خشونت، هرج‌ومرج و سوءاستفاده جریان‌های افراطی می‌شود». این نماینده ادوار مجلس شورا در مورد اینکه باید راه نفوذ بیگانگان مسدود شود، اظهار می‌کند: «کنته مهم دیگر، نقش این اصل در جلوگیری از نفوذ بیگانگان و آسیب‌رساندن به شهروندان است. زمانی که مسیر اعتراض داخلی، قانونی و امن باشد، زمینه سوءاستفاده عوامل خارجی برای تحریک نارضایتی‌ها یا هدایت اعتراضات به سمت خشونت و آسانی کاهش می‌یابد. بر چنین شرایطی، شهروندان می‌توانند مطالبات خود را مستقل، مسئولانه و بدون وابستگی

آرمان ملی

سیاست

گزارش

ایران در نظم جدید آمریکا چه نقشی دارد؟

تهران کلید مهار چین و روسیه

نظم بین‌الملل در حال گذار است و در این گذار پرتلاطم، جغرافیا بار دیگر با قدرتی بی‌سابقه به صحنه تعیین سرنوشت‌ها پا گذاشته‌است. آنگونه که گزارش‌های تحلیلی کار مطالعاتی پیشرو مانند «شورای روابط خارجی» (CFR) و «مؤسسه مطالعات امنیت بین‌الملل استکهلم» (SIPRI) نشان می‌دهد، ایران دیگر صرفاً یک «بازیگر» در خاورمیانه نیست، بلکه به یک «ساختار ژئوپلیتیکی» حیاتی در قلب اوراسیا تبدیل شده‌است. خبرآنلاین نوشت: این‌گزاره که نخستین بار در تحلیل‌های راهبردی «بنیاد کارنگی» برجسته‌شد، اکنون در کانون توجه محافل سیاست‌گذاری غرب و شرق قرار دارد. ایران در نقطه تلاقی سه محور راهبردی قرار گرفته‌است: دسترسی روسیه به آب‌های گرم، امنیت انرژی و ارتباطات زمینی چین، و تلاش آمریکا برای مهار هر دو ی آنها. این موقعیت بی‌بدیل، ثبات یا بی‌ثباتی ایران را به عاملی تعیین‌کننده در توازن قدرت در مقیاسی جهانی تبدیل کرده‌است. چه آنکه جنگ اوکراین و تشدید بی‌سابقه تحریم‌های غرب، جغرافیای ایران را برای روسیه از یک «فرصت» به یک «ضرورت حیاتی» تبدیل کرده‌است. کریدور حمل‌ونقل بین‌المللی شمال – جنوب (INSTC) که از طریق ایران، روسیه را به بنادر اقیانوس هند متصل می‌کند، اکنون شاهراه گریز مسکو از محاصره لجستیکی و اقتصادی غرب محسوب می‌شود. گزارش «رویتزر» حجم کالای ترانزیتی از این مسیر در شش ماه گذشته خیرداد. این تنها یک رقم اقتصادی نیست؛ یک دستاورد استراتژیک است. ایران به روسیه اجازه می‌دهد تا بر محدودیت‌های جغرافیایی خود در دریای بالتیک و دریای سیاه فائق آید و به بازاری عظیم و مستقل از غرب دسترسی یابد. پیامد این امر، تغییر کیفیت روابط تهران – مسکو از یک همکاری موقعیتی به یک شراکت راهبردی عمیقا وابسته به جغرافیا است. این اتحاد نانوشته، اهرم فشار غرب علیه هر دو کشور را تضعیف می‌کند چراکه ایران به «عمق جنوبی» روسیه تبدیل شده و ثبات آن برای کرملین به اندازه ثبات مناطق تحت نفوذ سنتی‌اش در شرق اروپا اهمیت یافته‌است. این وابستگی متقابل، هرگونه طرح غرب برای بی‌ثبات‌سازی داخلی ایران را به یک تهدید مستقیم علیه امنیت ملی روسیه بدل می‌کند. از سوی دیگر ابتکار «کمریند و جاده» چین با یک نقصان استراتژیک بزرگ روبه‌روست: وابستگی شدید به مسیرهای دریایی که در تنگه‌های حیاتی مانند مالاکا و هرمز مستعد کنترل توسط نیروی دریایی آمریکا است. ایران با موقعیت زمینی خود، پادزهر این آسیب‌پذیری است. گزارش تحلیلی «مؤسسه بروکینگز» تأکید کرد که سرمایه‌گذاری چین در زیرساخت‌های ایرانی، به‌ویژه در بنادر چابهار و بندر امام، تنها یک قرارداد تجاری نیست، بلکه یک بیمه راهبردی برای تضمین جریان کالاهای انرژی در روز مباداست. اثر اقتصادی این محور، هدایت بخشی از عظیم‌ترین پروژه زیرساختی جهان به خاک ایران و تبدیل آن به یک شاهراه تجاری غیرقابل انسداد توسط ناوگان‌های غربی است. این امر به معنای همسود شدن منافع امنیت ملی چین و ثبات و حاکمیت ایران است. پکن نمی‌تواند اجازه دهد، کشوری که شاهراه زمینی آن به اروپا و خاورمیانه است، استفاده از این تغییر به سمتی همسو با غرب شود. از سویی، همکاری ایران با روسیه و چین فراتر از پروژه‌های زیرساختی است؛ این همکاری در حال آزمایش عملی نهاده‌ها و مکانیسم‌های سوازی در مقابل نظام غرب محسوب می‌شود. استفاده از سیستم پرداخت بین‌المللی «اسب‌اف‌اس»، روسیه، گسترش مبادلات با یوان و روبل، و ایجاد مکانیسم‌های بیمه‌ای و مالی مشترک، همگی نمونه‌هایی از این آزمون هستند. فایننشال تایمز به نقل از منابع آگاه گزارش داد که سهم مبادلات غیردلاری ایران در شاخص اصلی خود از ۱۵ درصد در سال ۲۰۲۱ به بیش از ۴۵ درصد در سالجاری رسیده‌است. اثر این محور، ایجاد یک «اکوسیستم اقتصادی مقاوم» است که هرچند از نظر مقیاس و نقدشوندگی با نظام دلاری قابل مقایسه نیست، اما می‌تواند ضربه تحریم‌ها را بگیرد و بقای اقتصادی را تضمین کند. اما موفقیت نسبی این مدل، الهام‌بخش دیگر کشورهای تحت تحریم یا ناراضی از هژمونی دلار خواهد بود و این امر به تدریج از انحصار ابزارهای فشار اقتصادی غرب می‌کاهد.

تحریم به قصد مهار

اما ایالات متحده در دهه گذشته یک راهبرد تقریبی یکپارچه برای مهار ایران از طریق تحریم‌های فلج‌کننده، انزوی دیپلماتیک و اجماع منطقه‌ای دنبال کرده‌است.

ظهور ایران به عنوان حلقه اوراسیایی، این راهبرد را با یک معمای استراتژیک جدید مواجه کرده‌است. هرگونه فشار بیش از حد بر ایران، نه تنها باعث نزدیکی بیشتر آن به روسیه و چین می‌شود، بلکه به‌طور غیرمستقیم به تقویت پروژه چندقطبی‌سازی مورد نظر مسکو و پکن یاری می‌رساند. این اجماع غرب را خدشه‌دار کرده و شکاف‌هایی بین متحدان اروپایی و آمریکایی ایجاد می‌کند که برخی تمایلی به درگیری تمام‌عیار با این سه‌گانه ندارند.

در مجموع، از منظر نهادی، نظم لیبرال بین‌الملل تحت رهبری آمریکا مبتنی بر نهادهایی مانند سازمان ملل، صندوق بین‌مللی پول و سازمان تجارت جهانی است. نقش ایران به عنوان حلقه اوراسیایی، این نهادها را با چالش مواجه می‌سازد، زیرا همکاری سه‌جانبه تهران – مسکو – پکن در حال ایجاد با تقویت نهاد‌های مواری است

این نهاد‌های جایگزین، قواعد و هنجارهای متفاوتی را ترویج می‌کنند که اغلب مبتنی بر حاکمیت مطلق و عدم مداخله است. از سوی دیگر جایگاه ایران در نظم جهانی یافته‌است. ایران دیگر تنها موضوع سیاست نیست؛ خود به عاملی تعیین‌کننده در شکل دهی به معماری امنیتی و اقتصادی اوراسیا تبدیل شده‌است. این تحول، راهبرد چندجده غرب برای مهار ایران را با یک بن‌بست ژئوپلیتیکی روبه‌رو کرده‌است. نادیده‌گرفتن این نقش ساختاری جدید ایران، نه تنها ثبات خاورمیانه که موازنه قدرت در اوراسیا و در نتیجه امنیت جهانی را با خطرات غیرقابل محاسبه‌ای مواجه خواهد کرد.